

کمپین دفاع از حق پناهندگی
کودکان آپاتی ادامه دارد
فرزاد ادیبی



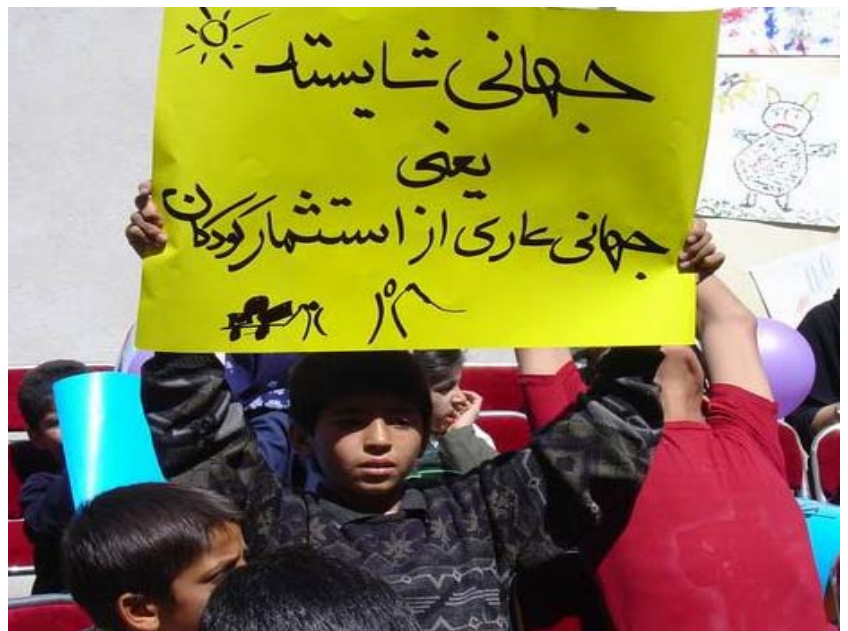
toloos@hotmail.com

اول ماه مه و کودکان کار

فعالین کودکان مقدمند در هفته گذشته به فعالیتهای گسترده خود، برای خواست انسانی پذیرفتن اقامت کودکان مبتلا به آپاتی پناهجو، ادامه دادند. امستی در سال ۲۰۰۵ flyktningamnesti2005 که از فعالین عرصه پناهنده گی سوئد از جمله فدراسیون سراسری پناهنده گان ایرانی، واحد



فعالین تشکل کودکان مقدمند، در تظاهرات ۷ ماهه، روز شنبه گذشته، فعالانه شرکت کردند. در این تظاهرات که به "دعوت نت ورک برای سوئد، تشکیل شده، هزاران نفر به دفاع از حق پناهنده گی، به سیاست ضد انسانی، بیشرمانه و ضد ادامه در صفحه ۵



اول مه امسال را کارگران در ایران در سطح وسیعی گرامی داشتند. مراسم متعددی در سراسر کشور برپا شد. در جامعه ای که صدها هزار کودک را استثمار می کند، شیره جانیشان را می مکد و نابود می کند. در جامعه ای که کودکان را کارگران ارزان می نامند، این طبقه کارگر است که باید، گام جلو بگذارد و خواستار توقف استثمار این بدنهای ادامه در صفحه ۳

کودکان باید از گزند
مذهب در امان باشند!
صفحه ۴

خیابانها در سوئد صحنه ای برای
به عقب راندن دولتمداران ! صفحه ۶

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

خانه من کجاست؟



مهر نوش معظمی

قسمت سیزدهم:

شب بود و بچه ها می لرزیدند. مریم در انتهای خیابان یک مغازه پیدا کرد و خود را داخل مغازه انداخت و به انگلیسی خواهش کرد که از تلفن استفاده کند. مرد فروشنده به صورت گریان بچه ها و مریم نگاهی انداخت و تلفن را جلوی مریم گذاشت: مریم یک شماره را گرفت. چند لحظه ای تامل کرد. پس از بیست سی ثانیه صدای زنی در گوشی تلفن پیچید:

سودابه:
مریم گفت سلام و نتوانست که بیشتر حرف بزند.
مریم تویی؟ چی شده؟ حرف بزن: کجایی؟
در یک معازه... با بچه ها و دوباره گریه کرد!
مریم گوشی را به فروشنده بده تا آدرس را از او بگیرم. تو همان جا منتظر من باش. فروشنده گوشی را گرفت و با فارسی با سودابه دوست قدیمی مریم شروع به صحبت کرد و آدرس را به او داد.

خانم شما ناراحت نباشید. من از این اتفاقات بارها دیده ام، چه در زندگی خودم و چه در زندگی دیگر ایرانیها... مادر من پس از ۱۵ سال به دیدن من آمد. همسر من هفته دوم چمدانش را بست و به خانه خواهرش رفت. مادرم فقط یک ماه اینجا ماند و من و همسر من بعد از این واقعه از هم طلاق گرفتیم و مادرم نیز در ایران سرطان گرفت و عمرش را به شما داد. بله خانم شما نگران نباشید. من که نمی دانم برای شما چه اتفاقی رخ داده است ولی تحمل

داشته باشید و خودتان را برای ماجراهای پیچیده تر آماده کنید، مسئله اقامت و مسکن از همه چیز مهمتر است.
دوست مریم خودش را به آنها رساند و مریم و بچه ها را با اتو مبیل به آپارتمان خود برد. در تمام طول راه مریم ساکت بود. او هنوز باور نداشت که بیدار است و این همه درگیریها واقعیت داشتند. به یاد خانه خود در ایران بود و حلقه های اشک از صورتش سرازیر می شد. آن آرامش و عشق و صفا را از دست داده بود. برای اولین بار با شاهپور قهر کرده بود و از او جدا بود. نه باز هم جدایی بین آندو به وجود آمده بود ولی باعث آن آن رژیم بود و مسبب فرار آنها و رها کردن خانه؛ شهر، محله، دوستان، کار و امید هم باز آن رژیم بود. حال او در یک کشور غریب تنها بود و غمگین با دو کودک ترسیده و خسته... مریم تمام شب گریه کرد و حاضر نبود که سودابه با شاهپور تماس بگیرد و او را از نگرانی خلاص کند. سودابه هم بیدار ماند و دوست دوران کودکی خود را تسکین می داد ولی هیچ چیز نمی توانست مریم را آرام کند.
من قادر نیستم به آن خانه ها برگردم. نه من خلیبی تلاش کردم ولی نشد. من

در آنجا زندانی بودم و محتاج آنها، لبخند آنها و محبت آنها و کلام آنها... تو در اشتباه هستی. آنها بد نبودند. تو بخاطر موقعیت حساسی که داشتید، آشفته بودی و زود رنج. تو باید بدانی که در ایران نیستی و آدمهای اینجا همچون آب و هوای اینجا با ایران فرق دارد. سکوت و سردی هوا و بی تفاوتی آدمها نسبت به هم ترا آزار خواهد داد ولی پس از مدتی خود تو عوض خواهی شد، بدون اینکه متوجه شده باشی. تو یک آدم دیگر می شوی با چهار شماره ای که دولت به تو می دهد و هویت تو با آن چهار شماره ها است. بدون آنها تو هیچ به شمار می آیی و درها به روی تو باز نمی شود. انتظار و انتظاری و سپس زمانی که اقامت را به تو دادند و چهار شماره را گرفتی، به گریه خواهی افتاد! می دانی چرا؟ نه! نمی دانی برای اینکه هنوز این لحظه ها را تجربه نکردی و به یاد کبابی سر کوچه اشک تو از درون غمگینت خارج نشده است. ولی با این حال نمی خواهی که به ایران برگردی و آینده کودکان را خراب سازی!

فردای آنروز مریم و بچه ها به اتفاق سودابه به اداره مهاجرت برای گرفتن مسکن مراجعه کردند. مریم قصد

برگشت به ایران را نداشت ولی فکر میکرد که به یک دوره احتیاج داشت که شاهپور را نبیند و علت سردی گراییدن رابطه خود را پیدا کند. ولی جدایی در یک کشور غریبه کشنده بود. روح او را می خراشید و نگاه بچه ها از او دلیل تصمیمش را می پرسید. باز هم یک جدایی دیگر زندگی شاهین را تکان داد و او باز هم در تصمیم گیری هیچ حق دخالتی... نگرفت. کسی از او نپرسید که او چه فکر می کند.

ادامه دارد

نشریه کودکان مقدمند را تکثیر و پخش کنید

نشریه کودکان مقدمند

دوشنبه ها منتشر می شود

دبیر کودکان مقدمند هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سر دبیر هفته نامه کودکان مقدمند فرزاد ادیبی

۰۰۴۶۰۷۰۴۹۱۷۴۹۴

Kodakan_moqadamand@hotmail.com

toles@hotmail.com

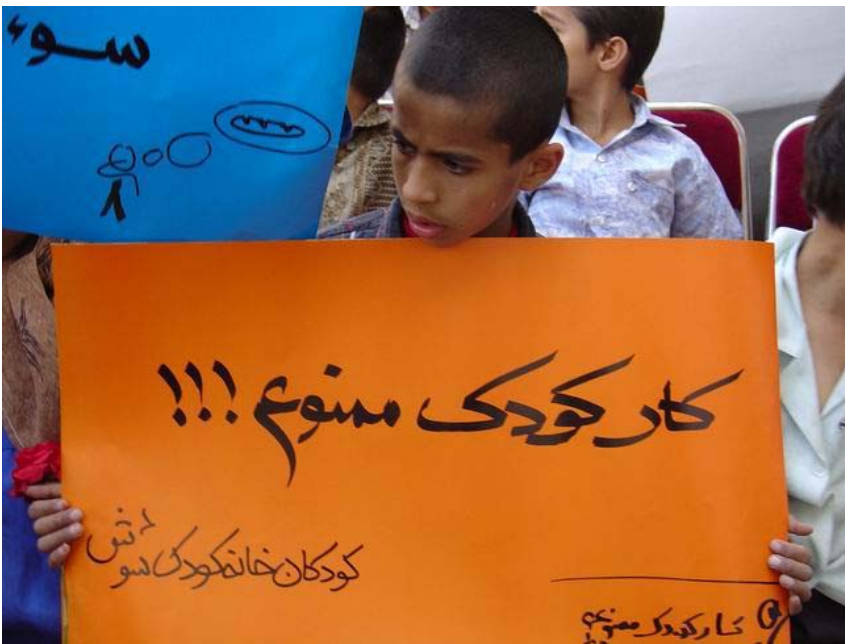
مسئولین مرکز پخش: شهلا خباززاده سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه



مشقت بار ترین کارها هستند. ناامنی محیط کاری که در محیطهای کارگری ایران، سالانه جان دهها کارگر را می گیرد، در محیط کاری کودکان به مراتب بدتر است. هیچ کدام از موارد امنیت محیط کار در کوره پز خانه ها و کارگاهها کوچک، رعایت نمی شود. گزارش درصد کوچکی از سوانح محیط کار که به روزنامه ها کشور درز پیدا می کند، حاکی از جنایات وحشتناکی است که سودجویان سرمایه داری بر کودکان کار، روا می دارند.

در یکی از گزارشهای خبرگزاری سینا که در سال ۸۳ منتشر شد، آمده

حیف و شکننده شود. در سنج و دیگر شهرها انجمنها و مراکز دفاع از حقوق کودکان در مراسمهای اول مه شرکت کرده و بر خواست انسانی ممنوعیت کار کودکان تاکید کردند. هم اکنون جان هزاران کودکان خیابانی که عمدتاً به انواع کارهای خدماتی در خیابانها، مشغول هستند، در خطر است. سؤاستفاده جنسی از این کودکان، به کار گماردن آنان، از سوی باندهای قاچاق و تکدی، آنان را با خطرهای روزمره که زندگی آنان را تهدید می کند، مواجه می سازد.

در کوره پزخانه ها و کارگاههای کوچک، مانند قالی بافی تا مراکز



است: "رحیم کوچولوی سیزده ساله مجبور است که ۱۰ ساعت در روز

دولتی مانند شهرداری و جهاد سازندگی، کودکان زیر ۱۸ سال مشغول به

اول ماه مه امسال، یکی از خواستههای اصلی طبقه کارگر ایران، ممنوعیت کار کودکان بود. این امر تنها با همبستگی سراسری کارگران و دیگر بخشهای مزدبگیر جامعه میسر است. جا داشت که در تمام اجتماعات و تظاهرات، های اول ماه مه امسال، این خواست انسانی طبقه کارگر، یکی از مفاد اصلی قعطنامه های کارگران باشد. در سنج برای این خواست مهم با سمینار و سخنرانی، تاکید شد.

پاههای رحیم را در دمپایی پلاستیکی، پوشانده است. همین گزارش اضافه می کند که ۸۰ درصد کودکان خیابانی بر اثر فقر و بی پولی خانواده ها، راهی خیابانها برای کسب درآمد ناچیزی می شوند. در میان این کارگران خردسال کودکان ۶ ساله بسیاری نیز دیده می شود. این تنها گوشه ای که در جامعه سرمایه داری اسلامی ایران در حق کودکان، می شود.

حرارت چند صد درجه ای يك کوره بزرگ ذوب شیشه را تحمل کند تا خانواده اش در ایران به در آمد بیست هزار تومانی او در هفته دلخوش باشد، کودک بیچاره با دریچه جهنم تنها نیم متر فاصله دارد" منظور گزارشگر از دریچه جهنم، کوره ذوب شیشه است که با حرارتی بیش از ۸۰۰ درجه سانیکراد، علت تاولهای روی دستهای رحیم سیزده ساله است. در همین گزارش می آید که رحیم برای اینکه بتواند از خشک شدن جسمش در این محیط به شدت گرم، جلوگیری کند، مجبور است که در هر ۲۰ دقیقه یک لیتر آب بنوشد. آبی که تمیزتر از محیط کار وی نیست. شیشه خورده های که کف کارگاه را پوشانده است، عامل زخمهایی است که

برنامه تلویزیونی کودکان مقدمند

چهارشنبه ها ساعت ۸ شب به وقت تهران
تکرار ساعت ۱۲ ظهر به وقت تهران

تلویزیون کانان جدید

تل استار ۱۲، قرقانس ۱۲۶۰۸ مگاهرتز
سیمبل ریت ۱۹۲۷۹، اف ای سی، ۲/۳
پلاریزیسیون افقی

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

کودکان باید از گزند مذهب در امان باشند! یک نگاه موردی به مخالفت مذهب با انتقال خون

جلیل بهروزی

۵ ماه مه ۲۰۰۵

jalil1917@yahoo.com



خطر مواجه میکند باید جامعه و دولت پا به میدان بگذارد و امنیت و سلامتی کودک را اولی بدانند. آن چه که به این کیس معین خود ویژه گی میدهد مسئله دخالت مذهب و تهدید جان کودک توسط آن است. جدال اصلی اینجا بر سر حق مذهب و یا حق کودک است و این که چه چیزی در این میان بدان ارجحیت داده شود؟ پدر و مادر دختر بر ضدیت عمل انتقال خون با مذهب جهوا ویتنس تاکید دارند. هر چند که وکیل خانواده در تکمیل توجیه آنان به حق فرد و این که فرد مختار بدن خویش است، نیز ارجاع میکند. اما دادگاه میگوید از آنجایی که پزشکان تشخیص به این نوع مداوا، یعنی انتقال خون سالم به بدن کودک، داده اند و از آنجایی که مریض زیر سن قانونی است، مبنا سلامتی کودک است. و این پاسخ اصلی در چنین وضعیتی است و باید حمایت شود. هر ساله هزاران کودک در سطح جهان قربانی جهل و خرافه، قربانی قوانین مذهبی و دخالت مذهب در زندگی جامعه میشوند. چه آنجا که مذهب حکم میراند، همچون کشورهای اسلام زده. و چه آنجا که حکومتها تا گلو آغشته به مذهب اجازه میدهند تا دستگاه مخوف کلیسا، کنیسه و مسجد و فرقه ها و

انتقال خون دخترشان جلوگیری کنند. اما قاضی دادگاه تورنتو بر حکم قاضی اول صحه گذاشت. وکیل خانواده کودک در جمع خبرنگاران معترضانه میپرسید "سئوال اصلی این است وقتی که مسئله مداوای پزشکی به میان میاید چه کسی باید تصمیم گیرنده باشد؟ دولت، دکتر و یا مریضی که از ظرفیت تصمیم گیری برخوردار است؟" این سئوال معتبری است، اگر که سن فرد مریض را در نظر نداشته باشیم. در این مورد مریض، کودک ۱۴ ساله ای بیش نیست. همانطور که در خیلی از موارد نه خانواده و نه دولت به کودک اجازه نمیدهند که در مورد همه امور مربوط به خود، خود تصمیم بگیرد در این رابطه نیز نباید اجازه داد که تصمیم گیرنده در مورد سلامتی، خود او باشد. بخصوص که مسئله مرگ و زندگی کودک هم در میان است. همین طور آنجایی که تصمیم خانواده، کودک را با

دختر بچه ۱۴ ساله ای در ایالت بریتیش کلمبیا کانادا به سرطان خون مبتلا است. پزشکان تشخیص داده اند مداوای او از طریق انتقال خون ممکن است. در غیر این صورت خطر مرگ دختر کوچک را تهدید میکند. خانواده او از آنجایی که متعلق به فرقه مذهبی جهوا ویتنس (یک شاخه ای از مسیحیت، که در امریکای شمالی بیشتر فعال است) هستند با اینکار مخالف بوده و آن را بر علیه اعتقادات مذهب خویش میدانند. دادگاه این استان حکم داده است از آنجایی که مریض زیر سن قانونی است عمل انتقال خون باید صورت گیرد و در صورت امتناع، مداوای کودک زیر سرپرستی سازمان خدمات خانوادگی ادامه خواهد یافت. این تصمیم دادگاه موجب شد تا خانواده کودک به ایالت انتاریو آمده تا شاید دادگاهی دیگر بر خلاف حکم قاضی استان بریتیش کلمبیا، آنها را مجاز دانسته که از عمل

سکتهای مذهبی با احکام و اعتقادات ارتجاعی و شومشان بر زندگی کودکان چنبره زنند. آنان تحت نام ازدواج تجاوز میکنند، کودکانی که به جنگهای قومی و مذهبی گسیل میشوند و یا بخاطر آن گشته میشوند، کودکانی که به بیماری ایدز مبتلا شده صرفا به دلیل آن که خانواده های آنها با تبعیت از دستورات مذهبی از کاندوم استفاده نکرده اند، کودکانی که ختنه میشوند و در موارد بسیار جان میسپارند و این آخری، کودکانی که در قلب کشورهای پیشرفته و صنعتی بخاطر مذهب از انتقال خون و یا پیوند اعضا و غیره محروم میگردند و کشته میشوند. همه و همه، تنها بخشی از آن خشونت است که بطور آشکار مذهب در قبال کودکان روا میدارد. کودک مذهب ندارد این را منصور حکمت به درست گفته است. دست مذهب با هر عنوان و با هر شکلی باید از زندگی کودکان کوتاه گردد. نباید اجازه داد جان هیچ کودکی به خاطر اعتقادات مذهبی خانواده اش در خطر بیفتد. سلامتی، شادابی و شکوفایی کودک بر هر ملاحظه ای ارجح است. این آن حکمی است که باید جهانشمول گردد تا کودکان نجات یابند.

سیری در ادبیات کودک «کودک در ادبیات ایران»

میلاد پرتوی- ایران

این آخرین قسمت از مقاله سیری در ادبیات کودک، نوشته میلاد پرتوی است که از نظر شما می گذرد. با تشکر از میلاد به خاطر همکاری صمیمانه اش با نشریه و همچنین عذرخواهی از وی و خوانندگان نشریه که این قسمت آخر، در شماره قبلی جا نشد و گرنه بسیار بهتر بود که این قسمت هم با همان بخش، چاپ شود. امیدوارم که میلاد عزیز، همچنان همکاریش را با نشریه خودش ادامه دهد.

۴. محیط زندگی و تجربیات و شناختهایی که ایجاد می کند

نوجوان و کودک خواستار داستانهایی واقعی از زندگی و زمان خودش می شود، در شناخت واقعیات زندگی مستقیم شرکت می کند. حدود جغرافیایی و زمانی را کودکان خواهند شکست تا با قهرمانان مورد علاقه خود بیامیزند. ادبیات جهانی به از میان رفتن تفاوتی جغرافیایی و ظاهری کمک می کند و کودک از خلال آن دنیا را می شناسد و محیط بزرگ زندگی را در می یابد.

ممنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به کودکان

گام به گام دولت سوئد را به عقب برانند. همکاری این دولت با تشکلهای پناهنده گی سوئدی و کشورهای دیگر، یکی از فاکتهای مهم تاثیرگذاری بر سیاست دولت سوئد است. ما می توانیم و باید نیروهای هر چه بیشتری را به میدان بکشیم. با ید نیروهای اجتماعی همه احزاب و سازمانهای مدافع حق پناهندگی را به خیابانها کشاند. این تنها راه تحمیل خواست انسانی ما به دولت است. رمز موفقیت ما، در

پس به قدرت خودمان باور کنیم! به اینکه ما میتوانیم با اعتراض های وسیع و قدرتمند، دولت را به زانو درآوریم!

تشکل کودکان مقدمند، دوش به دوش فدراسیون در عرصه های متفاوت این مبارزه، از تحصن گرفته تا دبات و تماس با مسولین اداره مهاجرت، نماینده گان مجلس و دولتمداران کشور، تا تظاهرات های هزاران نفره، توانسته اند که با حضوری گسترده و علنی،

دولت می شود و ادعای سردرگمی در حل مسئله این کودک می کند. چند ساعتی نمی گذرد که دولت اعلام می کند، اخراج تمامی کودکان ثبت شده مبتلا به آپاتی تا اطلاع ثانوی لغو گردیده است. من حتی یک سرسوزن هم باور نمی کنم که عقب نشینی دولت به علت سردرگمی اداره اتباع بیگانه در بررسی مشخص پرونده این کودک بوده است. برعکس؛ معتقدم که فشار جنبشهای بزرگ اعتراضی مردم در همین دوران اخیر، دولت را وادار به عقب نشینی آشکار کرد.

این نتیجه مستقیم حضور بی وقفه شما آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر است! اگر شما در میدان نبودید و به نقض خشن حقوق بشر اعتراض نمی کردید، کماکان همین کودکانی که امروز حکم اخراجشان متوقف گردیده، دست و پابسته دیپورت می شدند.

همین یک ماه پیش بود که وزیر اداره مهاجرت «باربرو هولمبری» ادعا کرد که دادن اقامت عمومی به کودکان مبتلا به آپاتی شروع یک فاجعه انسانی میتواند باشد. اما به ناگهان همین هفته پیش، اداره اتباع بیگانه

ادامه کمپین... پناهنده دولت سوئد اعتراض کردند. هزاران انسان از کشورهای مختلف، دست در دست هم بدور از هر تعصب نژادی، ملی و مذهبی، در خیابانهای استکهلم رژه



این کودکان که به دفاع از حق پناهندگی کودکان آپاتی به خیابان آمده اند، شعار "همدردی، آپاتی را معالجه می کند" را با خود حمل می کنند.

برای بررسی پرونده یک کودک آپاتی دست به دامن

رفتند و به دولت سوئد نشان دادند که مردم مترقی و مدرن سوئد در کنار همزمان مهاجر و پناهنده خود، با سیاست ضد انسانی و ضد پناهنده دولت سوئد مرزبندی جدی دارند.

کیمیا پازوکی دبیر فدراسیون در استکهلم در بخشی از سخنرانی خود که به زبان سوئد، ارائه شد گفت:

"همین یکسال پیش بود که کودکان مبتلا به آپاتی را دست و پا بسته و زنجیر شده به برانکار دیپورت می کردند.

با ضرب و شتم بیرحمانه، پناهنده را در قسمت بار هواپیما، می بستند و دیپورت می کردند.

کریم شاهمحمدی دبیر کودکان مقدمند- سوئد



سازماندهی همه شهروندان آزاده و انسان دوست کشور، سوئد است. خیابانهای شهرهای سوئد را باید یکی پس از دیگری به تصرف درآورد. تظاهرات بزرگ ۲۱ آوریل سرآغاز یکسلسه اعتراضات مردمی در سراسر سوئد است. در اینجا جا دارد که بدون هیچ گونه غلوی بر جایگاه مهم و ویژه فدراسیون سراسری پناهنده گان، تاکید کرد. کاری که این تشکل برای گرفتن حق پناهندگی از دولت های اروپایی، انجام داده است، کار بزرگ و به یاد ماندنی است.



کیمیا پازوکی در حین سخنرانی در تظاهرات ۷ ماه می

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

همکار خوب نشریه، ویدا بهروز ترجمه کامل شعر دوروتی لاو-هولته که متأسفانه در شماره ۲۵ ناقص چاپ شد و همچنین شعر دیگری در همین زمینه برای نشریه ارسال کرده اند که ضمن تشکر از وی، این شعرها در این شماره منتشر می کنیم.

کودکی که پیوسته سرزنش شود
محکوم کردن می آموزد
کودکی که تنبیه را تجربه کند
ستیزه می آموزد
کودکی که مسخره شود
کمری می آموزد
کودکی که همواره شرم را تجربه کند
احساس گنهکاری می آموزد
کودکی که تشویق شود
اعتماد به خود می آموزد
کودکی که با بردباری پرورش یابد
شکیبایی می آموزد
کودکی که ستوده شود
احترام به خود می آموزد
کودکی که صداقت را تجربه کند
عدالت می آموزد
کودکی که دوستی ببیند
مهربانی می آموزد
کودکی که امنیت را تجربه کند
اطمینان می آموزد
کودکی که محبوب باشد و در آغوش گرفته شود
عشق می آموزد

“پدر و مادر عزیز”

مرا بارها در آغوشتان بفشارید تا احساس شادی و امنیت را یاد بگیرم .
دوستم داشته باشید هر چند من کودکی نافرمان و سرکش بوده ام .
علاوه بر آزمایشهایم ، استواردرم مقابلم بایستند .
شکوه هایم را تحمل کنید، چرا که شما بهترین هستید.
احترام را با عملهایتان به من نشان دهید و زیباییهای زندگی را به من بیاموزید.
شایستگی ام را برایم همواره بازگو کنید و بگوید که دوست داشتنی هستم.

خانه مان را با تحمل و عشق آدین کنید و

بیاد بیاورید که ما همیشه می توانیم بازی کنیم هر چند من کودک دیروزی نیستم.

ادامه خیابانها در سوئد صحنه ای...

هفتم مه یکبار دیگر استکهلم شاهد تظاهرات پرشو و قدرتمند پناهندگان، مدافعان حقوق کودک و انسان بر علیه سیاست ضد پناهندگی دولت سوئد بود. این تظاهرات تحت عنوان "عفو عمومی ۲۰۰۵" با مطالبه پذیرش همه پناهندگان "غیر قانونی"، بلا تکلیف و یا در حال دیپورت در سوئد، دومین تظاهرات بزرگ در دو ماهه گذشته در دفاع از حقوق پناهندگی بود. اعتراضاتی از این دست آن اهرم موثری بود که تا همین جا دولتمداران سوئد را به عقب نشینهای معینی کشاند. بدنبال فعالیتها و اعتراضات وسیع سازمانها و نهادی مدافع حقوق پناهندگان و حقوق کودک در چند ماهه گذشته دولت سوئد بر خلاف تصمیم قبلی خود رسماً اعلام کرد پناهندگانی که کودکان آنها به بیماری آپاتی مبتلا هستند دیپورت نخواهند



شد و کمیونی جهت بررسی وضعیت آنها بوجود خواهد آمد. این خود یک دستاورد مهم برای جنبش پناهندگی و یک پیشروی جهت نجات جان کودکان پناهنده و مبتلا به بیماری آپاتی بود. در این میان فدراسیون سراسری پناهندگان سوئد و در کنار آن نهاد کودکان مقدمند یک رکن اصلی همه اعتراضات انسانی و به حقی که در دفاع از پناهندگان و کودکان شکل گرفت، بودند. در تظاهرات ۷ مه که ۷۹ حزب، سازمان و نهاد در آن دخالت داشته و یا از آن حمایت کرده بود، حامی اعتماد از فعالین فدراسیون و کودکان مقدمند از اعضای کمیته سازمانده آن و کمیته پازکی دبیر فدراسیون یکی از سخنرانان اصلی، بودند. در این تظاهرات که از یکی از مراکز شهر استکهلم آغاز و در مقابل پارلمان سوئد ختم شد، همچنین فعالین کودکان مقدمند با پخش اطلاعیه این نهاد در بین مردم و جمع آوری امضا در دفاع از کودکان پناهنده دخالت فعالی داشتند.

کودکان مقدمند - ۹ ماه مه ۲۰۰۵

ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان